

سیزدهم آذرماه، روز مبارزه با سانسور گرامی و آفتاب آزادی بیان فروزان باد!

آذرماه امسال در حالی به پیشواز روز مبارزه با سانسور-اعلام شده توسط کانون نویسندگان ایران- می‌رویم که جای‌جای ایران داغدار فجایعی است که از رویارویی مردم با مجریان دستگاه سانسور برجای مانده است. هیولایی که تا پیش از آن چنگال‌های حذف، ارباب و سرکوب را ریاکارانه بر دهان و گلوی مردم می‌فشرد و با موازین خود ساخته



افراد و گروه‌ها را به سیاه‌چاله‌های بازجویی، بازداشت‌های طولانی، دادگاه‌های غیرعلنی، حبس‌های تعزیری و تعلیقی و اعتراف‌گیری‌های اجباری می‌فرستاد و با حکم‌های واهی، هر آزاداندیش و کنشگری را به زندانی سیاسی، ممنوع از کار و ممنوع از خروج تبدیل می‌کرد، دیگر بار دروازه‌ی مکان‌های نامعلومش را به دست نهادهای نامعلومش گشود، به نفس‌های اعتراض مردم زنده هجوم آورد و بغض‌های به فریاد آمده را آشکارا به گلوله بست.

سانسور که بسیار کوشیده بود با قتل‌های سیاسی-زنجیره‌ای و طرح ترور دسته‌جمعی نویسندگان، جامعه را از تفکر انتقادی تهی کند، حصارها را برپا داشت و تمام فضای عمومی و خصوصی زندگی مردم را بلعید. مفاهیم ادبی و فرهنگی را از کتاب‌های آموزشی تاراج کرد تا الگوی ایدئولوژی و هدف‌هایش در مغز نسل‌ها جایگزین شود و با حبس کنسرت‌ها، فیلم‌ها، کتاب‌ها، صدای زنان و فعالان، لغو و محدود کردن مجوزها، مسدودسازی و کاهش دسترسی به اطلاعات، حذف رسانه‌های مستقل، گروه‌ها، ممانعت از ایجاد تشکله‌ها و برگزاری تجمع‌ها و با اعمال مالکیت مستبدانه بر صفحات شخصی و شبکه‌های اجتماعی، نمای کوتاهی شد از مستند تاریخی که بر این سرزمین به اجرا درآورد.

در روزهای اخیر دیدیم سانسور با هوش سیاه خود اولین حکومتی شد که هراسان رسیدن واقعیت به گوش جهانیان، تمام راه‌های ارتباط مجازی را بست تا در سکوتی محض، صدای معترضانی را به گلوله ببندد که برای پاسداشت هرچه تمام‌تر منابع و حیاتشان و برای آرمان زندگی بهتر نسل‌ها از مشروطه تا امروز خون‌ها فشانند، اما از بدیهی‌ترین

حقوق بشری، شادی، آینده، زیبایی، هنر، فرهنگ و حتی حق داشتن معیشتی امن محروم شدند. با قطع سرتاسری اینترنت، فرمان خاموشی صدای ایران صادر شد و در این میان آنچه کمترین اهمیتی نیافت هدررفت منابع هنگفت مردمی و خسارات مترتب بر هستی آنان بود. سهم کلانی از ذخایر اقتصادی و توان پژوهشی کشور صرف طراحی و اجرای پروژه‌ی تاریخی جداسازی مجازی مردمی از جهان شد که باید تاوان بی‌کفایتی ساختار حاکم را می‌پرداختند و درحالی‌که سخنگویان قدرت، نیروی سیستم را در اعمال بی‌سابقه‌ی این شکل مدرن و پیچیده‌ی سانسور می‌ستودند، شریان اقتصاد و رسانه مسدود شد تا با تأکید بر مصادیق و بهانه‌های ناروا، اطفای خشونت‌بار آتش فریادها و گم‌شدن، بازداشت و کشتار هزاران تن توجیه شود.

این‌ها البته ختم کلام تمامیت‌خواهی نظام مبتنی بر سانسور نیست؛ اجرای عملیات «اینترنت ملی، اینترنت» با توان کنترل حداکثری افراد و گروه‌ها، در دستور کار دولت است تا رسانه‌ی حاکم تنها صدایی شود که حق سخن و حکم راندن بر مردم را دارد. مردمی که در این ساختار گویا فقط نقش سیاهه لشکری آماری دارند که حاکمیت از آن‌ها مشروعیت سیاسی بگیرد.

اما همگان دیدند مردمان محروم از حق مطالبه و حتی دفاع از خود، نشان دادند که در تلاش برای رسیدن به جامعه‌ی مدنی و آزاد، باید کنش جمعی علیه سانسور و رسیدن به آزادی اندیشه و بیان از مهم‌ترین مطالبات و اهداف باشد، پس به‌رغم خطرات جانی و علمی‌رغم محاصره‌ی نظامی مجازی و واقعی، فریاد اعتراضشان را به صف‌های تاندان مسلح امنیتی کوبانند تا حصارها را بشکنند.

کانون نویسندگان ایران با نکوداشت سیزدهم آذر روز مبارزه با سانسور یاد همه‌ی جان‌دادگان دفاع از آزادی بیان و دلاوری علیه خفقان را پاس می‌دارد، خواهان آزادی بی‌قیدوشرط همه‌ی کسانی است که به دلیل بیان نظر، عقیده یا اعتراض از حقوق انسانی خود محروم شده‌اند و از آزادی خواهان و سانسور ستیزان ایران و جهان می‌خواهد با گرامیداشت سیزدهم آذر روز مبارزه با سانسور و پیگیری و بازخواست حق‌راستین «آزادی بی‌هیچ حصر و استثنای اندیشه و بیان»، امروز را به فردایی روشن پیوند دهند.

کانون نویسندگان ایران

